



## مردم‌سالاری دینی

## میراث تمدن‌ساز رهبر شهید قَسِسْهُ

## والگوی برتر در برابر دموکراسی غربی

هم‌اندیشی علمی با موضوع «میراث کلامی رهبر شهید» به ابتکار گروه کلام اسلامی و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴ اردیبهشت‌ماه به‌صورت حضوری و برخط برگزار شد.

در این نشست علمی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدسجاد ایزدهی به ارائه سخنرانی پرداخت.

متن کامل این سخنرانی در ادامه آمده است.

##### • امام شهید؛ راهبر اندیشه و آینده

برخی از افراد دارای «اندیشه» هستند و می‌توان از اندیشه آنان یاد کرد؛ اما بعضی دیگر «راهبر فکر» و «اندیشه‌ساز» هستند. اندیشه‌سازان، فارغ از اقتضائات زمانه و شرایط موجود، عمدتاً آینده‌سازند و آینده‌نگر. فارغ از هرگونه تجاملی به‌راستی می‌توان از امام شهیدامان‌الله با عنوان «راهبری جامعه مبتنی بر دانش» یاد کرد؛ راهبری که مسیر تمدنی انقلاب اسلامی را بر اساس بنیادهای دینی و با نظر به تطور و تحول گذشته به سوی آینده‌ای مطلوب ترسیم نمود.

گاه انسان‌هایی اندیشمند هستند که در گوشه خانه‌ها، مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها به تدریس و اندیشه‌ورزی اشتغال دارند که این خود نکته ارزشمندی است؛ اما هنگامی که یک رهبر به‌طور طبیعی ممکن است، وظایف اجرایی نیز بر عهده داشته باشد، جامعه را بر اساس فرهنگ، علم و آینده‌ای معین هدایت کند؛ به‌گونه‌ای که اگر این اندیشه‌ورزی وجود نداشت، مسیر جامعه با چالش مواجه می‌شد. در آن‌صورت نه صرفاً اندیشه‌ورز است و نه صرفاً راهبری علمی، بلکه راهبری حکیمانه جامعه بر اساس مبانی علمی متخذ از دین را به نمایش می‌گارد.

نکات گوناگونی می‌توان برشمرد که نشان می‌دهد، ایشان چه حوزه‌هایی را مورد اهتمام قرار دادند؛ حوزه‌هایی که اگر مورد توجه قرار نمی‌گرفت، شاید مسیر انقلاب به‌گونه‌ای مطلوب طی نمی‌شد؛ به‌عنوان نمونه، شاید اگر ایشان بعد از آنکه نظم سلطه بر این منطق قرار گرفت که «انقلاب دیگر جهلمین سالگرد خود را نخواهد دید»، نمی‌فرمودند: «ما تازه گام اول را برداشته‌ایم و گام‌های دیگری نیز برخواهیم داشت» و مسیری برای گام دوم تعیین کردند. اگر چنین نبود که جمهوری اسلامی در یک کشور محلود بماند و امتداد اجتماعی، نفوذ منطقه‌ای، عمق استراتژیک و بنیادهای فکری همراه با راهبری علمی نداشت، در پس‌انقلاب و در دوران تحول دانش و فناوری‌ها، عملاً قافیه را از دست می‌دادیم. اگر ما جمهوری اسلامی می‌بودیم؛ اما انقلاب اسلامی نبودیم؛ در محدوده مرزهای خود می‌ماندیم.

یادم نیست از قول کدام‌یک از این بزرگواران، هنگامی که خواست از امام شهید یاد کند، تعبیری داشت که ایشان «آینده‌نگرترین فرد» است؛ نه اینکه برای آینده‌ای فکر کند که سرش خراب شود؛ بلکه آینده‌ای را تصویر کند که بر سر آینده خراب‌شده دیگران فرود آید. اندیشکده‌های مختلفی در جهان وجود دارند که عملاً به آینده‌نگری می‌پردازند، آینده‌ها را برای مردم فرض می‌کنند، تثبیت می‌کنند و خود را بر آینده ملت‌ها مسلط می‌سازند.

اگر انقلاب اسلامی چنین نمی‌بود که برای خود فرایند نظام‌سازی، جامعه‌سازی تا مرز تمدن را پیش ببرد و به این انقلاب استمرار بخشد – به‌گونه‌ای که انقلاب را به‌مثابه یک پروژه (که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد، در فضای جنگ قرار گرفت و تمام شد) نبیند، بلکه آن را به‌عنوان یک پروسه و فرایند تا ظهور منجی مطلق وَجَاءَ الْمَسِيحُ الْمَوْلَا بداند – اگر این نوع رویکرد برای حکومت و راهبری اتفاق نمی‌افتاد، انقلاب اسلامی صرفاً در حد یک اندیشه در تراز مدیریت کلان یک جامعه محدود باقی می‌ماند.

##### • مردم‌سالاری دینی در اندیشه‌ی امام شهید:

##### از نظریه تا راهبرد تمدنی

در خصوص موضوع بحث من «مردم‌سالاری دینی»، بسیار می‌شود صحبت کرد. نکات مهمی را ایشان به جامعه علمی و حتی به توده‌های مردم القا کردند. برخی از مؤلفه‌هایی که امروز برای ما ساده و بدیهی به نظر می‌رسند– مانند اقتصاد مقاومتی، مقاومت، الگوی اسلامی– ایرانی پیشرفت، مردم‌سالاری دینی و محور مقاومت– اگر تکتک آن‌ها را لحاظ نمی‌کردیم و در جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی اشراب نمی‌شد، انقلاب اسلامی از سال‌های قبل باید به‌تدریج نحیف و لاغر می‌شد.

اینکه چگونه ایشان دریافته‌ند که ما در «پیچ تاریخی» قرار داریم و انقلاب اسلامی در موقعیت صعود از نظم سلطه و آمریکا در موقعیت نزول است، چگونه می‌توان چنین انسانی را درک کرد؟ گاه بسیار زمان می‌برد تا گفته شود «پیچ تاریخی». چگونه می‌گفتند: «ما در حال رسیدن به قله هستیم؟» آن زمان می‌پرسیدند: «قله کجاست؟» اما امروز درک می‌کنیم.

اگر امروز مردم شصت‌وچند روز با شور و اشتیاق در خیابان‌ها حضور می‌یابند، به‌خاطر احتمال توطئه نیست؛ صرفاً به‌خاطر تقویت نظام یا تأیید رفتارها یا بیعت با امام موجود نیست. این فرایندی است که امام شهید مردم را بر اساس آن تربیت کردند: به مقاومت– که هزینه مقاومت، کمتر از هزینه تسلیم است– به این باور که «ما می‌توانیم» و «ما در برابر همه سلاح‌های دشمن، سلاح مناسب داریم». این تصادف نیست که مردم شصت‌وچند روز تاکنون در میادین حضور داشته‌اند و می‌توانند داشته باشند و خواهند داشت؛ بلکه آینده‌نگاری است که رهبر شهید آن را ترسیم کردند و تصریح فرمودند: «خداوند ملتی را مبعوث خواهد کرد». این سخنان شاید در ابتدا برای بسیاری قابل فهم نبود.

##### • جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی

##### در اندیشه امام خمینی

حضرت امام رحمه‌الله، انقلاب اسلامی را بر محوریت ولایت فقیه ترتیب دادند و بحث «جمهوری اسلامی» را مطرح کردند. تعبیر معروف امام که «نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیش» نیز از همین جا ناشی می‌شود؛ حتی پیش از تثبیت این فرایند، عباراتی از ایشان داریم که «جمهوری اسلامی مثل همه جمهوری‌های عالم است؛ اما قانون در آن، قانون اسلامی است و محوریت با اسلام است». چه‌سپا در اوایل کار، به‌دلیل بساطتِ فهم و بساطتِ القا (زیرا هنوز مردم نمی‌دانستند)، برخی تصور کرده بودند که حضرت امام رحمه‌الله دوگانه‌ای را تصویر می‌کنند: یک بخش «جمهوریت» مبتنی بر منطق (تمدن غربی) و بخش دیگر «اسلامیت» به‌عنوان محتوا. دوگانه ناظر به ساختار و محتوا؛ گویی محتوا از آن ماست و ساختار را از دیگری گرفته‌ایم. شاید برخی در آن زمان چنین تلقی از امام داشتند؛ اما ایشان در سال‌های بعد توضیح دادند و تفسیر کردند که مراد از جمهوری اسلامی و جمهوریت، نه به‌مثابه امری برگرفته از تمدن غربی، بلکه برساخته خود ماست.

##### • بازخوانی مفهوم جمهوریت

##### در منظومه فکری امام شهید

امام شهید در تحلیل، تفسیر و تبیین و تعمیق واژه «جمهوری اسلامی» که شاید به‌تعبیری بتوان آن را «مردم‌سالاری دینی»

بازخوانی کرد، گرچه در اوایل کار در بیان نسبت به کسانی که می‌گفتند: «دموکراسی فرایندی غربی است و ما دموکراسی نداریم»، فرمودند: «مردم‌سالاری» یعنی آن قرائت خودمان از مردم‌سالاری‌بودن و نقش مردم؛ البته در مراحل بعد تصریح می‌کنند که مردم‌سالاری دینی دو مقوله مجزای «مردم‌سالاری» و «دینی» نیست که با سنجاق به هم وصل شده باشند. به‌عبارت دیگر، مردم‌سالاری دینی یک مقوله التقاطی نیست که بخشی را از تمدن و تجربه غربی گرفته و بخشی را از خودمان افزوده باشیم. ایشان می‌فرمایند: «خیر، مردم‌سالاری دینی متخذ از مبانی خودمان است.»

##### • مردم‌سالاری دینی در منطق مدینه نبوی و بیعت

زمانی که غرب هنوز هیچ تمدنی در بحث مردم‌سالاری نداشت و هیچ تصویری از آن نداشت، در جامعه مدینه‌النبی ﷺ و جامعه اسلامی، پیشینه خودمان را داریم. تا وقتی مردم پای کار نیامدند و حمایت، تأیید و بیعت نکردند، عملاً حاکمیت تأیید نمی‌شود. امیرالمؤمنین و امام حسن رضی‌الله‌عنهم نیز با همین منطق مواجه بودند. هرچند دیگران در دوره‌های بعد این مردم‌سالاری دینی را مصادره کردند و در قالب سکولاریسم و استبداد (مانند زمان معاویه و پس از آن) تخریب نمودند که یک حاکم در رأس قرار دارد و یک مفتی در کنار او که به مردم کاری ندارد. اما در زمان پیامبر ﷺ و آن «ارتودوکسی اسلام» و اسلام اصیل و اولیه، منطق همین بود و همواره اهل بیت علیهم‌السلام بر این مقوله تأکید می‌کردند.

لذا اگر امروز بحث جمهوری اسلامی را مطرح می‌کنیم، جمهوریت به‌معنای دموکراسی (به‌سبک غربی) نیست. جمهوریت به‌معنای حضور همه‌جانبه مردم است؛ اما بر اساس چه معیاری؟ بر اساس چه شکلی؟ آیا حضور مردم بر اساس معیارهای انتخابات غربی و دموکراسی غربی است؟ خیر، بر اساس معیارهای اسلامی؛ لذا در جمهوری اسلامی، انتخابات بر اساس ملاک اسلام تعیین می‌شود. انتخابات نه به این معنا که هر ارزشی به‌واسطه رأی اکثریت معتبر تلقی شود؛ خیر، ارزش‌ها ملاک پیشینی دارند و احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند؛ اما در ساختار، در شکل و در مدل اجرایی، بله، می‌توانیم از مردم‌سالاری استفاده کنیم و آن نیز ملاکش به مبانی خودمان بازمی‌گردد که شاید به شورا، بیعت، مشورت و نظریه مشهور ارجاع یابد.

طبیعتاً ما یک مدل مطلوب داریم. ما در قبال مدل دموکراسی غربی –که عمدتاً بر اساس محوریت «انسان خودبنیاد» تنظیم شده و خدا از فرمول آن حذف می‌گردد، انسان جایگزین خدا می‌شود و به‌جای خداانگاری، انسان محوری محور قرار می‌گیرد– در قبال آن منطق که منجر به تمدن غربی بدون حضور خدا شده است، نتیجه‌اش محوریت «جان» در مقابل «روح»، «آسایش» در مقابل «آرامش» و «دنیا» در مقابل «آخرت» است.

در مقابل آن، مدلی از حاکمیت داریم که دموکراسی نیست؛ بلکه حاکمیت خداست؛ اما نه حاکمیت خدا به‌معنایی که فرانعه، امپراتورها، بنی‌عباس و بنی‌امیه داشتند که حاکمیت را از جانب خدا بر خود فرض می‌کردند. خدایی می‌کردند و مردم را به حساب نمی‌آوردند؛ بلکه مدل مطلوب که اگر بتوان آن را دموکراسی نامید (چنانکه امام شهید واژه «مردم‌سالاری دینی» را به‌کار بردند)، مدلی است که در آن دین‌سالاری (تئوکراسی) به‌معنای استبداد راه ندارد. در این دین‌سالاری، ارزش‌ها حاکمند؛ در این دین‌سالاری، حاکمیت از آن شایستگان است

و البته مردم در این میان نقش تمام دارند.

ما می‌بینیم این مدل در انقلاب اسلامی اشراب و نهادهینه شده است. اگر ما این منطق را درک نکنیم– منطقی که ساخته امام شهید و امام راحل رحمته‌الله است– نمی‌توانیم بفهمیم چرا انقلاب اسلامی به‌عنوان «تنها انقلاب جهان» تلقی می‌شود که سال‌های متمادی (چهارده) پس از انقلاب، مردم با وجود همه مشکلات در میدان، آن را جشن می‌گیرند.

##### • مردم‌سالاری دینی؛ هدیه گران‌بهای انقلاب اسلامی

امام ما، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، نخستین پیام خویش را در شرایطی صادر فرمودند که هنوز روشن نبود آیا ایشان به شهادت رسیده‌اند یا خیر، آیا رئیس‌جمهور در کشور حضور دارد یا نه و اساساً اداره کشور در دست چه کسی است. در چنین شرایطی، مردم با اتکا به منطقی مردم‌سالاری دینی، راهبری نظام را بر عهده گرفتند. مردم به این دلیل راهبری نظام را بر عهده گرفتند که این منطقی مردم‌سالاری دینی وجود داشت: «مردم صاحب نظام‌اند، مردم صاحب‌کارند، مردم محور کارند، مردم مؤمن، متحد، تسلیم‌ناپذیر، غیور و کریم‌اند.» طبیعتاً همین مردم با همین ملاک، شصت‌وچند شب است که در میدان می‌ایستند و اگر روزی یک کارگزار یا مسئول ارشد خطایی مرتکب شود، مردم در میانه میدان می‌گویند: «نه، این‌گونه نیست.»

بنابراین، مردم‌سالاری دینی هدیه‌ای بسیار گران‌بها برای جامعه بشری است. انقلاب اسلامی این هدیه را تقدیم کرده و قابلیت سربایت و اشراب برای همه جوامع را دارد. امروزه می‌توان آن را به‌عنوان «بدیل دموکراسی» تلقی کرد؛ بدیلی که مزایای دموکراسی را دارد؛ اما معایب آن را ندارد، معایب تئوکراسی (دین‌سالاری استبدادی) را ندارد؛ اما مزایای آن را داراست. این مدل، جامع فضائل و مانع از معایب است و عملاً به کارآمدی و پایداری نظام اسلامی منجر می‌شود.

اگر امام راحل و امام شهید ما رحمته‌الله هیچ نگرانی از استمرار انقلاب نداشتند، علتش این است که انقلاب بر پایه مردم‌سالاری دینی نهادهینه شده، اشراب گردیده و مردم آن را درک کرده‌اند. امروز نیز همین مردم، بر اساس همین مؤلفه‌ها، در عرصه‌های مختلف در میدان هستند؛ عرصه‌هایی که حوزه‌های گوناگونی از جمله اقتصاد، فرهنگ، امنیت و سیاست را در بر می‌گیرد.

طبیعتاً این تحفه انقلاب اسلامی و این هدیه امام شهیدمان را نه‌تنها باید ارج بنهیم و پاس بداریم؛ بلکه باید زوایای آن را مشخص کنیم و به‌عنوان میراثی گرانبقدر برای سایر جوامع بازخوانی نماییم.

#### در محضر امام شهید رحمته‌الله

### برادری در جامعه اقتدار در برابر دشمن



از منظر شهید امام خامنه‌ای ، اتحاد ملی و همبستگی دل‌های مردم، سنگ‌بنای حفظ منافع و اقتدار کشور است. ایشان همواره بر اهمیت همدلی اجتماعی و پرهیز از تفرقه تأکید داشته‌اند؛ چراکه اختلافات داخلی، راه را برای سوءاستفاده دشمنان هموار می‌سازد. هرچند اختلاف سلیقه امری طبیعی است؛ اما نباید به نفرت‌پراکنی و دشمنی منجر شود. رهبر شهید انقلاب، جوانان را به حفظ اتحاد و برادری در جامعه فرا می‌خواند تا در برابر مخالفان و دشمنان ملت ایران، یکدل و یکصدا ایستادگی کنند و منافع ملی را پاس دارند.

متن پیش رو منتخبی از فرمایشات گهربار امام شهید است که در ادامه می‌خوانید:

##### اتحاد ملی؛ کلید حفظ منافع ایران

نکته [مهم]... در باب منافع ملی، مسئله اتحاد دل‌های مردم است؛ اتحاد عزم‌ها و اراده‌های مردم است. ما در این زمینه متأسفانه مشکلاتی داریم، عقب‌افتادگی‌هایی داریم؛ ارتباط و همدلی اجتماعی خیلی مهم است؛ در این زمینه دچار غفلت شدیم؛ خودمان به دست خودمان در وحدت ملی‌مان اختلال ایجاد می‌کنیم. همه ما در این غفلت شریکیم؛ همه ما وظیفه داریم که وحدت ملی را، اتحاد مردم را، اتحاد مردم و مسئولین را حفظ کنیم؛ روزبه‌روز آن را تقویت کنیم؛ این سیاست قطعی نظام جمهوری اسلامی از روز اول بوده است.

##### درس اتحاد از امام خمینی

امام بزرگوار از روز اول، روی یکی از چیزهایی که همیشه تکیه می‌کرد، مسئله «اتحاد» بود. بعضی‌ها با یکدیگر سر مسائل جناحی، مسائل سیاسی اختلاف پیدا می‌کردند. امام رحمته‌الله به این‌ها نهیب می‌زد و می‌گفت: «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بنزید».

##### وحدت اجتماعی در کنار تنوع دیدگاه‌ها

اختلاف فکری، اختلاف سلیقه، اختلاف سیاسی در یک کشور یک امر طبیعی است؛ اما نفرت‌پراکنی غیر از این‌هاست. خب یک نظری شما دارید، یک نظری دیگری دارد. این‌ها با همدیگر یکسان نیست، اشکالی هم ندارد؛ اما این نباید موجب نفرت‌پراکنی بشود، نباید افراد را از یکدیگر متنفر بکند، دشمن یکدیگر بکند، اجازه بدهد که هرکدام علیه یکدیگر، علیه آن دیگری، به هر وسیله‌ای که ممکن است، موجب اهانت و آزار و مانند این‌ها بشوند؛ احیاناً با افترا و دروغ و مانند این چیزها هم همراه بشود که خب این خیلی مشکل است.

##### رقابت همراه با احترام؛ خط قرمز توهین و اهانت

به نظر من رقابت‌های داخلی به‌جای خودش محفوظ؛ البته در داخل کشور در زمینه مسائل گوناگون سیاسی و غیره، رقابت‌هایی وجود دارد، این به‌جای خود محفوظ؛ اما همه باید با هم باشند، همراه باشند. در یک خانواده ممکن است دو برادر با هم دو سلیقه مختلف داشته باشند؛ اما برادری‌شان از بین نمی‌رود؛ کار به دشنام و دروغ و اهانت و مانند این‌ها نباید بکشد؛ این را همه باید مراقبت کنند.

##### جوانان؛ پیشگامان همدلی و وحدت ملی

تأکید می‌کنم و توصیه می‌کنم به جوان‌های عزیزمان که سعی کنند، در داخل جامعه نفرت‌پراکنی انجام نگیرد. خب اختلاف سلیقه‌ای وجود دارد، اشکالی هم ندارد؛ اما همه با هم برادروار در کنار هم، روی مسائل کلی جامعه و در مقابله و مواجهه با مخالفین کشور، مخالفین جمهوری اسلامی، مخالفین ملت ایران، یکسان بایستند و حرکت کنند.